

چرا مسیح مصلوب شد و اهمیت مرگ و قیام عیسی در چیست؟

هدف خدا از آفرینش انسان: هدف خداوند از آفرینش انسان این بود که خانواده خود را کثیر گرداند. بخشندگی و سخاوت خدا آن را ایجاد میکرد که خداوند انسان را به شباهت خود بیافریند. خداوند به انسان اراده آزاد و قدرت تصمیم گیری و حکمرانی عطا فرمود. انسان نه از لحاظ ظاهر بلکه از لحاظ عاطفه و احساسات و محبت شبیه خدا آفریده شده است.

گناه و سقوط انسان:

طبق اراده آزادی که خداوند در انسان قرار داده بود همچنین یک صندوق رأی هم باید وجود می داشت و خداوند درختی را در باغ عدن قرار داده بود که انسان در خوردن از آن از سوی خدا منع شده بود و این در واقع دموکرات بودن خداوند را نشان می دهد. که خداوند انسان را آزاد آفرید و به وی حق انتخاب داده بود. اما متأسفانه شیطان که سابقاً به دلیل شورش علیه حقیقت و با استفاده از اراده آزادی که داشت از منزلت و مقام خود سقوط کرده بود با فریب انسان و ترغیب وی (حوّا) برای خوردن از آن درختی که خدا منع کرده بود سعی کرد علیه مخلوق دست خدا عمل کند. و انسان هم با سرپیچی از قانون خدا در واقع با رای خود از منزلت و مقامی که در حضور خدا داشت سقوط کرد. این سقوط باعث یک مرگ روحانی در انسان شد و این مرگ روحانی به معنای عدم توانایی انسان برای برقراری ارتباطی زنده با خداوند شد. انسان در واقع عملاً و قانوناً حکومت و قدرت خود را به شیطان داد. نتیجه این سقوط سردرگمی انسان را در بر داشت. انسانی که تا قبل از گناه می توانست به راحتی با خدا ارتباط برقرار کند و با وی مشارکت داشته باشد. بعد از گناه و سرپیچی انسان از خدا لعنت وارد زندگی انسان شد و چون خدا قَدّوس است و انسان گناهکار، امکان ایجاد رابطه وجود نداشت. و خداوند محبت به انسان وعده ای داد که بوی نجات از آن به مشام می رسید. وعده ای که ظهور یک نجات دهنده را ندا می داد. کسی که می بایست سر شیطان و قدرت مرگ را می کوبید. اما طبق قانون خداوند گناه بهایی دارد که باید پرداخته می شد. خداوند می بایست قانوناً این حیات از دست رفته را دوباره احیا می کرد.

نقشه نجات خدا:

خدا که سرشار از محبت و بخشندگی ست برای نجات انسان سقوط کرده نقشه ای تدوین کرد. برای اجرای آن نقشه خداوند شخصی به نام ابرام را فرا خواند با وی عهد بست که نسل او را کثیر و مبارک گرداند و از طریق نسل او همه اقوام جهان برکت خواهند یافت که این برکت عظیم هدیه خدا و نجاتی است که برای انسان در نظر دارد. خداوند با وعده ها امید را در ابرام زنده کرد و ابرام نیز با ایمان آن را پذیرفت در حالی که هنوز هیچ فرزندی نداشت. سپس خداوند نام ابرام را به ابراهیم تغییر داد که به معنای «پدر امتها» می باشد. بعد از تقریباً بیست و پنج سال از وعده خدا ابراهیم که صد ساله و هسرش سارا که نود ساله بودند و بدن آنها تقریباً مرده بود را فرزندی بخشید. بدین ترتیب وعده خدا به طور معجزه آسا به ظهور رسید تا نقشه عظیم خداوند همچنان به پیش رود سپس خداوند از طریق نسل ابراهیم قومی به وجود آورد و آن را اسرائیل نامید. نام یکی از فرزندان اسحاق یعقوب بود که صاحب دوازده فرزند شد و سپس خداوند نام یعقوب را به اسرائیل تغییر داد که به معنای «مقدس شده» می باشد. این قوم بعدها به مصر کوچ کردند و در آنجا کثیر شدند. اما فرمانروای مصر آنها را به بردگی گرفت.

بعد از تقریباً چهارصد و پنجاه سال بردگی خداوند آنها را با دستی نیرومند و با معجزات به وسیله موسی بیرون آورد. اما قومی که برای نسلها در مصر مانده بودند، آداب و رسوم مصریان را فرا گرفته بودند. و فرهنگ بت پرستی در بین آنها رسوخ کرده بود. خدا از طریق موسی شریعت را به آنها داد. و این شریعت آنها را از همه آداب و رسوم مصریان منع می- کرد و با این قوانین، قوم اسرائیل از دیگر اقوام بت پرست تقدیس می شد. اما در کل، شریعت به ما نشان می دهد که حد اقل استاندارد خدا برای درست زیستن چیست و اینکه هر انسانی بداند که نسبت به این استانداردها گناهکار است. و از جلال خدا قاصر آمده است. طبق بعضی از قوانین شریعت برای هر گناهی که سهواً انجام می شد باید با قربانی کردن حیوانی کفاره می شد که قادر نبود حس محکومیت را بردارد. انسان برده گناه شده بود و قدرت گناه بدون خواست انسان بر زندگی انسان حکمرانی می کرد. نتیجه گناه روز به روز بدتر می شد و انسان به دلیل سقوط از جایگاهش قادر نمی بود که قوانین شریعت را به جا آورد. و قوم اسرائیل برای هزاران سال، نقشه نجات انسان و کلام خدا را به دوش میکشیدند.

هنگامی که در اسرائیل حکومت پادشاهی تأسیس شد خداوند وعده فرمود که نجات دهنده از نسل داود خواهد آمد، از باکره تولد خواهد شد، در بیت لحم متولد خواهد شد و جان او قربانی گناه خواهد شد. اما این امر چندان هم آسان نبود. این قوم صاحب وعده سالها با شیطان دست و پنجه نرم می کردند. و یا در جنگ بودند و یا به اسارت برده می شدند. اما هر بار انبیایی ظهور می کردند و وعده آمدن منجی را در اذهان قوم زنده می کردند. و برگهای تاریخ این قوم روز به روز ضخیم تر و کهنه تر می شد که همه در تاریخ ایام پادشاهان اسرائیل مکتوب است. اما همچنان وعده خدا پا بر جا بود. تا اینکه فرشته خداوند بر دختری باکره، مریم نام ظاهر شد و تولد نجات دهنده را از طریق وی اعلام کرد. تا پیشگویی کلام خدا در اشعیا ۷: ۱۴ به وقوع بپیوندد. آخرین نبی عهد عتیق یعنی قبل از مرگ و قیام عیسی مسیح، یحیی تعمید دهنده بود که ظهور منجی را به مردم موعظه می کرد و این هم پیشگویی دیگر کتاب مقدس می بود که در کتاب اشعیا نبی باب ۴۰: ۳-۴ به آن اشاره می کند. یحیی راه را برای خداوند عیسی مسیح مهیا می کرد.

تولد عیسی مسیح

تا اینکه سر انجام وعده عظیم خدا به وقوع پیوست. نوری عظیم در تاریکی درخشید. پادشاهی متولد شد که پادشاهی او ابدی می باشد. کاهنی متولد شد که برای ما یک بار برای همیشه باید قربانی گناه را می گذراند. گناهای که قرنهای بر روی دوش بشریت سنگینی می کرد. و نتایج آن دامنگیر همه خلقت شده بود. خلقتی که در دردی همچون درد زایمان به خود می پیچید. محبت عظیم خدا و کلام نجات بخش او جسم پوشید. یوحنا ۱: ۱.

این است داستان نجات دهنده ما، عیسی مسیح

بعد از ملاقات فرشته خداوند با مریم و مژده ظهور منجی از طریق وی سرانجام نجات دهنده چشم به جهان تاریک گشود. جهانی که تاریخ آن دستخوش تولد عیسی مسیح شد. خدا در جسم انسانی خود را آشکار کرد. کولسیان ۲: ۹: «زیرا الوهیت به طور کامل در مسیح مجسم شد» از آنجایی که انسان در اثر گناه شناخت خود را از خدا از دست داده بود. خدا در جسم انسانی (یا فرا باشنده) در بُعد تاریخ ظاهر شد تا انسان درک درستی از خالق خود داشته باشد و بتواند راه گم شده خود را پیدا کند. عیسی مسیح فرمود هر کس مرا دیده پدر را دیده و هر کس به من ایمان آورد به فرستنده من ایمان آورده است. یوحنا ۱۴: ۹-۱۱.

مرگ عیسی مسیح

از آنجایی که انسان در اثر سرپیچی از خدا، حاکمیت خود را به طور قانونی به شیطان سپرده بود. بنابراین دچار یک مرگ روحانی شده بود. و انسان باید به طور قانونی حیات از دست رفته خود را بدست می گرفت. خدا نمی توانست با قدرت عظیمش این حاکمیت را پس بگیرد. چون اگر این موضوع اعمال می شد خدا قانون خود را زیر پا می گذاشت. و همچنین انسان از دست داده بود، انسان نیز باید پس می گرفت. بنابراین خدا انسان شد تا به نمایندگی از انسان تمام بهای گناهان را پرداخت کند. عیسی مسیح با انجام معجزات بسیار، مسیح بودن خود را ثابت کرد. و خود عیسی مسیح بارها اعلام کرد که باید در راه گناهان بسیاری بمیرد. مرقس ۱۰: ۳۲-۳۴ «عیسی و شاگردان در راه اورشلیم بودند و عیسی پیشاپیش شاگردان حرکت میکرد. شاگردان متحیر بودند و کسانیکه از عقب آنها می آمدند، بسیار می ترسیدند. عیسی دوازده شاگرد خود را به کناری برد و درباره آنچه که می باید برایش اتفاق افتد، با آنها شروع به صحبت کرد و به آنها فرمود: «ما اکنون به اورشلیم می رویم و پسر انسان به دست سران کاهنان و علما سپرده خواهد شد. آنها او را محکوم به مرگ خواهند کرد و به دست بیگانگان خواهند سپرد. ۳۴ (متی ۲۰: ۲۰-۲۸) آنها او را مسخره خواهند نمود و به رویش آب دهان خواهند انداخت، او را تازیانه خواهند زد و خواهند کشت، اما پس از سه روز دوباره زنده خواهد شد.» اما سر انجام زمان فرا رسید، وی بدست رومیان سپرده شد که کشته شود.

اما پیلطس، فرماندار رومی وقتی از عیسی مسیح بازجویی نمود اعلام داشت که در وی هیچ گناهی نمی بیند و این مرا به یاد عهد عتیق می اندازد زمانی هم که در عهد گذشته گوسفند و یا گاو را برای قربانی می آوردند، آن گوسفند برای آنکه سلامت و بی عیبی آن ثابت می شد باید مدتی در محلی نگهداری می شد تا از سلامت آن اطمینان حاصل می کردند. و عیسی مسیح نه تنها بوسیله پیلطس بلکه بوسیله هیروودیس هم بازجویی شد و در او عیبی یافت نشد. تا پیشگویی اشعیا نبی به وقوع بپیوندد که فرمود: هر چند در او حيله ای یافت نشد اما خداوند را پسند آمد که او را مضروب نموده به دردها مبتلا سازد. چون جان او را قربانی گناه ساخت. اشعیا: ۵۳: ۴-۱۲.

در اینجا به اهمیت مرگ عیسی مسیح پی می بریم. او تمام سندهایی را که علیه ما بود بر صلیب خود میخکوب کرد. کولسیان ۲: ۱۴. سندهایی که گناهان و محکومیت ما را شاهد بودند. همه آنها بر صلیب عیسی مسیح میخکوب شد.

زمانی تمام قدرتهای تاریکی بر انسان حکمرانی می کردند اما مسیح ما را از جنگ نیرومند ظلمت رهانید و به پادشاهی خود منتقل ساخت. کولسیان ۱: ۱۳. وقتی انسان مرتکب گناه شد در واقع قانوناً رأی و حاکمیت خود را به قدرتهای تاریکی داد. اما عیسی مسیح با مرگ خود ما را از این حاکمیت آزاد ساخت.

مسیح بر روی صلیب، تمام قدرتهای آسمانی و فرمانروایان را خلع سلاح کرد، بر آنها پیروز شد و آنها را پیش همه رسوا ساخت. کولسیان ۲: ۱۵. گناه زمانی بر ما با قدرت فرمانروایی می کرد اما با مرگ عیسی مسیح شیطان و قدرتهای تاریکی خلع سلاح شدند. چون کسی که به عیسی مسیح ایمان دارد نسب به گناه مرده است در اینصورت گناه بر ما قدرت ندارد.

رومیان ۷: ۱-۶. «ای دوستان من، شما از قوانین اطلاع دارید و میدانید که انسان فقط تا زمانیکه زنده است، ملزم به اطاعت از قانون است مثلاً یک زن شوهردار، تا وقتی که شوهرش زنده است، قانوناً به او تعلق دارد، اما اگر شوهر او بمیرد، دیگر آن زن از قانونی که او را به شوهرش مقید میساخت، آزاد است. از این جهت اگر آن زن در زمان حیات شوهرش با مرد دیگری زندگی کند، زناکار خوانده شود. اما اگر شوهرش بمیرد، دیگر این قانون شامل حال او نیست و چنانچه با مرد دیگری ازدواج کند، مرتکب زنا نمیشود. ای دوستان من، شما نیز در همین وضع هستید. شما چون جزئی از بدن مسیح هستید، نسبت به شریعت مرده ایدو اکنون به آن کسیکه پس از مرگ زنده شد تعلق دارید تا در نتیجه برای خدا ثمری بیاوریم. زیرا هنگامیکه ما گرفتار طبیعت نفسانی بودیم، شهوات گناه که به وسیله شریعت برانگیخته شده بود در وجود ما کار میکرد و موجب مرگ ما میشد. جنگ طبیعت نفسانی با روح خداً اکنون از قید شریعت آزاد شده ایم زیرا نسبت به آنچه که ما را در بردگی نگاه می داشت، مرده ایم تا به طور تازه ای یعنی به وسیله روح القدس خدا را خدمت کنیم، نه مانند گذشته که از قوانین نوشته شده اطاعت میکردیم. چون در مرگ مسیح شریک شده ایم. پس دیگر قانون شریعت نمی تواند بر ما حکمرانی کند. چون نسبت به گناه در مسیح مرده ایم و او که الحال در من زندگی میکند نه من بلکه مسیح است. عیسی مسیح در من تعویض شد.

من ذات قدوس مسیح را بر خود گرفتم و مسیح ذات گناهکار من را بر خود گرفتم. دوم قرنتیان ۵: ۲۱. «زیرا او را که گناه نشناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم». زمانی به خاطر گناهانمان را بطه مان با خدا قطع شده بود. اما مسیح با مرگ خود بر روی صلیب ما را با خدا آشتی داد و آن جدایی که بین انسان و خدا بود برداشته شد. ما زمانی از خدا دور و در افکار و اعمال خود با خدا دشمن بودیم. کولسیان ۱: ۲۰-۲۱.

اما الحال بوسیله مرگ جسمانی مسیح با او متحد شده و پاک و بی آلاش در حضور خدا هستیم. کولسیان ۱: ۲۲. در گذشته اگر کسی می خواست جزو قوم یهود باشد، باید طی انجام مراسمی ویا پیروی از اصول و عقاید خاصی این عمل را انجام می داد. یکی از این رسومات عمل ختنه بود. و پولس رسول اشاره می کند که بوسیله کار مسیح بر روی صلیب و اتحاد ما با وی، ختنه شده ایم، نه ختنه ای که با دست صورت گرفته، بلکه با ختنه مسیح یعنی قطع طبیعت نفسانی است از این طریق ما وارد عهد جدید خدا شده ایم واین عهد بهتر ز عهد قدیم است. ما هم ارث با مسیح شده ایم. و صاحب وعده ها و حیات جاودانی. ما دیگر زیر شریعت نیستیم که مطابق با شریعت محکوم شویم بلکه زیر فیض هستیم و محض فیض نجات پیدا کرده ایم. ما نسبت به شریعت مرده ایم زیرا هر جا شریعت باشد گناه زنده می شود. اما در مسیح ما نجات و حیات داریم.

امروز همان حقی را که مسیح در حضور خدا دارد ما نیز از آن حق بهره مند هستیم. خدا در مسیح ما را خلقتی تازه ساخته و همه چیزهای کهنه در گذشته است. دوم قرنتیان ۵: ۱۷. ما در مسیح مجودی جدید هستی و هیچ محکومیتی برای ما وجود ندارد. رومیان ۸: ۱. زیرا فرمان حیات بخش روح القدس که در اتحاد با مسیح یافت می شود مرا از فرمان گناه و مرگ آزاد کرده است. رومیان ۸: ۲. آنچه ما از انجامش عاجز بودیم در مسیح انجام شد و ما بوسیله ایمان به عیسی مسیح در اتحاد با وی قرار می گیریم و کامل می شویم. رومیان ۸: ۳-۴. آنچه را که شریعت به علّت ضعف طبیعت نفسانی نتوانست انجام دهد، خدا انجام داد. او فرزند خود را به صورت انسان جسمانی و گناهکار، برای آمرزش گناهان بشر فرستاد و به این وسیله گناه را در ذات انسانی محکوم ساخت. خدا چنین کرد تا احکام شریعت به وسیله ما که گرفتار طبیعت نفسانی خود نیستیم، بلکه مطیع روح خدا میباشیم، بجا آورده شود.

ما امروز فرزند خدا هستیم و میتوانیم از حق فرزند خواندگی خود استفاده کنیم. افسسیان ۳: ۱۴

امروز در مسیح ما مقدسین خوانده می شویم به خاطر آنچه مسیح انجام داده. پس خون مسیح عهدی تازه و برتر میباشد. و در شبی که خداوند ما تسلیم می شد نان را گرفت پاره کرده و به شاگردان داد و فرمود بگیرید و بخورید. این است بدن من که برای شما داده می شود و سپس جام را برداشت و فرمود بگیرید و بنوشید. این است خون من که به خاطر گناهان بسیاری ریخته می شود. پس خون مسیح عهدی جدید می باشد که در آن آمرزش گناهان از راه فیض میسر می باشد. قیام عیسی مسیح از مردگان. صبح روز یکشنبه وقتی مریم و چند تن از زنان دیگر برای تدهین عیسی به سر قبر رفتند با قبر خالی عیسی مسیح مواجه شدند. سپس دو نفر با لباس سفید به آنها گفتند که چرا زنده را در میان مردگان می جویید. وقتی عیسی مسیح بر صلیب جان داد، روز سوم از مرگ قیام کرد. اول قرننیان ۱۵: ۳-۴.

وقتی عیسی مسیح از مردگان قیام کرد ما به وسیله این قیام عادل شمرده شدیم. رومیان ۴: ۲۵. او به خاطر گناهان ما تسلیم مرگ شد. در واقع مرگ مسیح به خاطر گناهان بشر بود و قیام وی و رفتن وی به حضور پدر به عنوان کاهن و بردن خون خود به عنوان کفاره ما را عادل شمرد. عیسی مسیح اکنون در دست راست پدر برای ما شفاعت می کند. همان طور که مرگ از طریق گناه آدم گریبانگیر همه شد، همچنین از طریق مسیح قیامت از مردگان فرا رسید. اول قرننیان ۱۵: ۲۱.

عدالت خدا بر صلیب و بوسیله عیسی مسیح انجام شد. عیسی مسیح فرمود: من قیامت و حیات هستم. یوحنا ۱۱: ۲۵. قیام مسیح بزرگترین واقعه ای است که تا کنون رخ داده. و تاریخ و زندگی بشر را دگرگون ساخته. مسیح کاهن اعظم به حضور خدای پدر می باشد با خون خود که قربانی ابدی و مورد پسند است برای ما شفاعت می کند. بعد از قیام مسیح و صعود وی به آسمان ما شاهد نزول روح القدس هستیم. چون خون مسیح گناهان ما را کفاره کرد. و در قیام وی ما عادل شمرده شدیم. بعد از آن خدا از روح خود بر ما ریخت که ما را فرزندان ساخت. همان روحی که بوسیله آن فریاد میزنم ابا یعنی پدر. آمین.